تعهدی در مَشربِ فلیمنامه نویسی

شماره پرسش: ۳۲۴۳۲

تاریخ ارسال پرسش: ۰۱:۴۱:۵۱ ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد گرانقدر: برای رسیدن به شهود جمعی در فیلمنامه نویسی لطفا راهنمایی بفرمایید. فیلمنامه نویسی گزارشی است که مخاطب در روحانیتش قرار می گیرد. فیلمنامه نویس باید صفات بشری (کثرتی که اصیل نیست) را دفع کند تا حقیقت را تصدیق کند و روح تزکیه بر کل فیلم حاکم باشد زیرا هر کثرتی که به وحدت نرود سایه و دروغ است. ما به جای اینکه صُوَر ذهنی خودمان را به قصه تحمیل کنیم، می خواهیم با فیلمنامه و کارگردانی صُوَری که از ذات صحنه یا رفتار و یا قصه برمی خیزد را مشاهده کنیم و از آنجایی که وزن از خود حقیقت است، صفتی که ذاتی هر صحنه است، میزانی برای فیلمنامه و کارگردانی محسوب می‌شود. در سه گام طراحی صحنه؛ انتظار تجلی، رویت تجلی و رجوع به تجلی می تواند، حس وجودی صحنه را روشن تر کند. و خروجی تقوی پیشه ایی را برای ورود به صحنه ی بعد محقق کند؛ خروجی از ظلمت به نور در تقوی پرهیز، تقوی گریز و تقوی ستیز. همچنین شروع و پایان با حقیقت است. هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن. و اگر قرار باشد باطنی تجلی کند، در صورت ظاهر می‌شود و عبودیت صحنه جایگاه تجلی و یا به عبارتی مجلای حقیقت می‌شود. اینکه روح حاکم بر صحنه به چه اشاره می کند، چقدر عبودیت دارد و چگونه با فیلمنامه نویسی می شود بندگی کرد اهمیت دارد. و به فیلمنامه نویس در زمان انتخاب عناصر کمک می کند که از نفس اماره عبور کند و با نفس مطمئنه پیش برود. در گام های اولیه ی فیلمنامه نویسی باید روحانیتی از داستان برای جمع ایجاد شود تا جهان کثرت فیلمنامه نویسان در آن به وحدت برسد و آن فراتر از طرح کلی سفر شخصیت است. و نگاه به احوالات حاکم بر داستان است که می تواند حتی اگر حلقه های زنجیر تقدیر در داستان هنوز شکل نگرفته است زیباییِ نگاه شهود آمیزی را به تصویر بکشد. عبودیتی که در ترکیب هر صحنه، توسط شبکه ی عناصر داستانی ایجاد می‌شود، پیوندی اصیل با ربوبیت عالم داستان دارد. به همین خاطر گزارش فیلمنامه نویس از شهود حقیقت در تطبیق با نسبت حضرت محمد (ص) با حقیقت که اصل است، می تواند در نظر گرفته شود. کشف در فیلمنامه نویسی رجوع به حقیقت است و اگر در خارج واقع نباشد شیطانی است. زیرا وقتی یک سایه سنگین از افکار و افق بر روی داستان می اندازیم احساسات سنگین می شود و نمی تواند با حقیقت بالا برود. وقتی فکر می سازیم و بر اساس دستگاه فکرمی کنیم، توقف و حدود پیش می آید. در فیلمنامه، یک حقیقت وجودی است که ظرفیت های مختلف آن، در عناصر داستان به ظهور می‌رسد. و فیلمنامه نویسی و «حسِ وجودیِ نوشیدن» از حقیقت به نحوه ی رجوع به حقیقت مرتبط می‌شود. و تنها با نگاه جامع محمدی می‌تواند جمعیتی از نویسندگان را وحدت ببخشد. زیرا در برزخیت کبری که

صفتی بر صفتی غلبه نکند و در تعادل باشد، چنین جامعیتی وجود دارد. ترجمه ی وجودی تک تک عناصر صحنه، رجوع وجودی فیلمنامه به حقیقت را مشخص می کند و توافق گروه را میسّر می کند. و عقل تکنیکی آهسته آهسته به ظهور می آید و شاعرانگی فرم از وجود برمی خیزد. در فیلمنامه نویسی گروهی نباید متن طرف دیگر را در متن خود ترجمه کرد. بلکه باید وجهی از قضیه که متن می خواهد به آن اشاره کند را یافت. و آن وجه را با وجوه اشاره شده توسط متنی دیگر، در صحنه به جامعیت رسانید. اشاره ی متن که ترکیب صحنه آن را ایجاد می‌کند، مهم است و ملاک ارزیابی قرار می گیرد. در هر صورت باید در نظر گرفت ذهنِ دیگری، محدوده ی ناشناخته است که از خود چیزی در آن نمی شناسیم. و با کوچکترین بحث و جدل عالم شهود از میان بر می خیزد. همین که فیلمنامه نویس و کارگردان خود دارد، نسبتش با صور خیالیه نسبت محروم شدن از حقیقت است. همین که در نفس خودش و و نسبت با نفس خودش ببیند، فیلمنامه از حقیقتش می افتد. حق و اتصال به حق همه چیز است و نگاهی که در آن فقر ذاتی هر صحنه از فیلمنامه و اتصال به غنی مطلق اصالت داشته باشد، به صحنه ها وجود می بخشد و تجلی رخ می دهد. فیلمنامه نویسی صاف کردن دل است، نباید رجوع به خلق باشد. اصلا رجوع به خلق نداریم. رجوع به خلق باید از رجوع به خالق شروع شود و در دل رجوع به حق، رجوع به خلق نهفته است. جنس نشانه ها در فیلمنامه، آدرس حقیقتی است که به آن رهنمون می شویم و معرفت در این راستا بسیار اهمیت دارد. برای فیلمنامه نویسی از درون به بیرون باید اول به محضر حقیقت داستان برویم، نه اینکه با خودمان در داستان او قدم بزنیم. باید بی خود باشیم، تا آنجا باشیم. آن وقت است که داستان حقیقت درونش را نشان می‌دهد. در فیلمنامه نویسی و حرکت دوربین نسبتی را می جوییم که خدا در میان آن نسبت حضور داشته باشد و هر آن او را شهود کنیم. به همین دلیل فیلمنامه و کارگردانی با خودش درگیر می‌شود تا از مرتبه ی مادون به مافوق برود، زیرا اگر بازاری شود دیگر نمی تواند حقیقت را تصدیق کند. فیلمنامه نویس اگر در فیلمنامه خودش را بخواهد نشان بدهد، غیر پیدا می شود، تا همه ی خودش را نفی نکند رجوعش حقیقی نیست. به اندازه ایی که الله را می شناسد خودش را نفی می‌کند. او جویی که به دریای حقیقت می‌رسد، را کشف می کند و خودش را در آن می اندازد. قدرتِ فیلمنامه به احقاق حق است. زیرا در هر صحنه حقی باید رعایت شود و ترکیب بندی بر اساس آن صورت می پذیرد تا به تعادل برسد. و رعایت حقوق در همه ی مناسباتِ صحنه در نظر گرفته می‌شود. اینجا سیاست به میدان می آید. سیاست یعنی رعایت حقوق (حق خدا، حق خلق و حق نفس). سیاست نحوه ی ارتباطات است. اینکه در فیلمنامه با چه سیاستی صحنه ها چیده می‌شود، بسیار مهم است. سیاست خودش رجوع الی الله و حرکت حق مدارانه است، موضع گیری به جا، شایسته و مناسب. سیاستِ دوربینِ فیلمنامه نویس، جاذبه و دافعه ایجاد می کند. زیبایی سیاست، زیبایی وجودی است. و عبارت «سیاست ما عین دیانت ماست» جمعیت فیلمنامه نویسان را برای تدبیر به تفکر می برد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر بنده متن جنابعالی تذکری است برای فیلمنامه نویسانِ امروزینی که بنا دارند خود را دوباره در فیلمنامه‌های‌شان پیدا کنند و بسط دهند. آری! ما به فلیم‌نامه‌هایی نیاز داریم که می‌فرمایید. فلیم‌نامه‌هایی که ناگفتنی‌ها را در قالب فلیمنامه به زبان آورد و ابعاد متعالی انسان بدون واژه‌های به ظاهر اخلاقی مدّ نظر آورده شود، ابعادی که وجه فطرت توحیدگرایِ انسان را با او در میان می‌گذارد.

در فلیمنامه، صحنه، صحنه جاری‌بودن روحی است در تن بی‌جانِ بازیگران تا تن‌هایِ بی‌جانِ مخاطبان را جانِ دوباره بخشند. این‌جا است که بازیگران می‌توانند متوجه نقش عظیم انسانی خود باشند و در نقش خود رسالتی را احساس کنند که انبیای الهی در خود احساس کردند. دائماً باید در هر صحنه‌ای از فیلم به رسالت خود نظر داشته باشند و کار فلیم‌نامه‌نویس در این فضا، کارِ خلقِ انسانیتی است که گم شده است.

بنده در کار خوب شما تحت عنوان «صدایی از اعماق اقیانوس» چنین رسالتی را احساس کردم به طوری که نوعی آدرس‌دادن به حقیقت بود.

چه خوب می‌فرمایید که سیاست یعنی رعایت حقوق «خدا» و «خلق» و «نفس»، و این وظیفه فلیمنامه‌نویس است که با اشاره به این حقوق در قالب تصاویر، متوجه زیبایی چنین سیاستی شود که عین دیانت است. امید است رفقایی که بنا دارند از «دوربین» و «تصویر» در این تاریخ بهره‌های انسانی و ایمانی بگیرند، از متن جنابعالی غفلت ننمایند. موفق باشید